

درس ششم: کار و تلاش و دوری از تنبلی (سرعت عمل)

هدف:

در این درس دانش‌آموزان به کار و تلاش و داشتن سرعت عمل در کارها تشویق می‌شوند.

شروع

مرئی کرامے!

این درس را با شعرو جملات زیر آغاز کنید.

به نام خداوند گوییم مدام *** اول گفته‌ها مان سلام سلام سلام
سلام به همه‌ی دوستان گلم، حالتون خوبه؟ سلامتید؟ حواسا جمعه؟ سریع هر
کاری گفتم انجام بدید تا ببینم حواساتون جمعه یا نه؟؟
دستا روسر، دستا رو پا، دستا رو چشم، دستا رو پیشونی
آفرین! حالا موافقید که شیطان رو از خودمون دور کنیم؟
اول یہ طرف کلاس بگید: «ما بچہ‌ها زرنگیم»
اون طرف بگید: «با شیطانا می‌جنگیم»
آفرین بر شما که حواساتون خوب خوب خوب جمعه. حالا همه با هم بگید:
«ماشاءالله *** چشم نخورید انشاءالله»

کی از همه زرنگ‌تره؟ من من من من من
کی از همه باهوش‌تره؟ من من من من من
کی از همه با ادب‌تره؟ من من من من من
کی دوست داره یار باشه؟ من من من من من
یار امام زمان باشه؟ من من من من من
حالا بریم به یہ قصه‌ی قشنگ گوش کنیم.

مرئی کرامے!

داستان را با لحن دلنشین برای کودک تعریف کنید.

خاطره داستانی

نام داستان: کوآلا کوچولو || کوآلا کوچولو روی یک خانه‌ی درختی با مادرش زندگی

می‌کرد. یک روز که به خواب نازی رفته بود و داشت خواب کلی خوراکی‌های خوش‌مزه را می‌دید، ناگهان صدایی شنید: «کمک... کمک... خانه‌ی جوجه کوچولو آتش گرفته». کوآلا به آرامی چشم‌هایش را باز کرد و به‌زور از جا بلند شد و کشان‌کشان خودش را به در خانه رساند. دید که خرگوش فرزند زبر و زرنگ، تند تند از این خانه به آن خانه می‌رود و همه را خبر می‌کند. به در خانه‌ی پلنگ رفت. پلنگ که پیژامه‌ی راه‌راه پوشیده بود، سریع شلوارش را بالاتر کشید و به‌طرف دود راه افتاد. بعد خرگوش به طرف خانه‌ی جغد رفت. جغد سریع چندبار سرش را چرخاند و به سمت دود بال‌بال زد. اسب شیهه‌ای کشید و پوتیکوپوتیکو دوید. میمون دستش را از این شاخه به آن شاخه گرفت و ورجه‌ورجه کتان رفت. همه به آشیانه‌ی گنجشک رسیدند. یکی آب می‌آورد، یکی خاک می‌پاشید و یکی با بال‌زدن آتش را خاموش می‌کرد.

آتش خاموش شده بود که تازه کوآلاخان به پایین درخت رسید. بعد هم یواش‌یواش راهش را کشید سمت خانه‌ی جوجه.

وقتی رسید حیوانات خانه‌ی جدید جوجه کوچولو را هم ساخته بودند. حیوانات وقتی کوآلا را با دست‌های کشیده و وارفته دیدند، گفتند: «خسته نشی از این همه سرعت؟» هدهد گفت: «یه‌بار آمریکایی‌ها می‌خواستند منطقه‌ای بین سوریه و عراق رو اشغال کنند. حاج قاسم نقشه‌ی آمریکایی‌ها رو می‌فهمه و می‌گه: «ما باید به سرعت نیروهای خودمون رو به این منطقه بیاوریم تا نذاریم آمریکا به هدفش برسه». همین اتفاق هم می‌افته و نیروهای حاج قاسم سریع اون منطقه رو از دست آمریکایی‌ها می‌گیرند. حال دشمن از این حرکت سریع و دقیق گرفته می‌شه». کوآلا که این‌دستان را شنید و دید همه سرعتی و قدرتی عمل کرده‌اند و خودش آخر رسیده گفت: «بله! حال من هم گرفته شد». حیوانات خندیدند.

شعر

شعر اول ||

مرغ سفید و زیبا، سحر شده زود بیا *** مرغ سحر بیداره، از تنبلی بیزاره
جانم، سحر رسیده، خورشید زده سپیده *** گل همه رنگش خوبه، بچه زرنکش خوبه
برخیز که وقت کاره، پر خواب و خور بیماره *** توی کتاب نوشته، تنبلی خیلی زشته
تنبلی رو رها کن، خود رو از آن جدا کن *** تنبل همیشه خوابه، جاش توی رختخوابه

پاشو بدو صداش کن، از رختخواب جداش کن *** وقتی خروس می‌خونه، بچه‌ی خوب می‌دونه
باید بلند شه از خواب، بخنده مثل آفتاب *** بشویه دست و رویش، شانه زنه به مویش

شعر دوم ||

اتل متل توتوله آهای حسن کوچوله
تجدیدی هم قبوله اما یه شرطی داره
درسای ناخوندشو روهم روهم مونده شو
کتابشو وا نکرده اصلاً نگاه نکرده
همش گفته ولش کن رها و باطلش کن
باید فول فول بشه تا شهریور قبول شه
ورنه می‌گن چه تنبله حیرونه و ول معطله
یه راست رفوزه می‌شه شیرجه تو کوزه می‌شه
کوزه که در نداره خودش خبر نداره

شعار

- ما بچه‌ها زرنگیم *** با شیطونا می‌جنگیم
- بچه‌ی تنبل همیشه خوابه *** کلاس و درسش تو رختخوابه
شیطون استادش *** تنبلی کارش
تنبلی باهاش *** این است کارش

گره داستانی

۱ اقدام به موقع و سرعت عمل پاسداران نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، باعث شد عملیات دزدی دریایی و سرقت نفت ایران توسط آمریکا را ناکام بماند.

۲ مقایسه یک دانش‌آموز که به‌جای انجام تکالیف خود به کارهای متفرقه می‌پردازد و در انجام تکالیفش تعلل و فرصت‌سوزی می‌کند و دانش‌آموز دیگری که بدون از دست دادن فرصت به انجام تکالیف خود مبادرت می‌نماید.

۳ داستان طنزآمیز در توصیف حالات یک دانش آموز که به دلیل تنبلی و نداشتن سرعت عمل در انجام تکالیف در زمان خودش، برای رفتن به مدرسه در جستجوی وسایل خود می‌باشد.

طنز

مرئی گرامے!

با بیانی طنزگونه لطیفه زیر را برای بچه ها تعریف کنید

یه روز یه دانش آموز می‌خواست مثلاً سریع و فرزند باشه، زود کارهاش رو انجام بده بیاد مدرسه، اما وقتی اومد مدرسه نگاهش به جوراب‌هایش افتاد یکدفعه متوجه شد به جای جوراب خودش، جوراب پدرش رو پوشیده و به مدرسه اومده.

مسابقه جدول

مسابقه اول || نوشتن سریع حدیث بدون نقطه

رسول خدا ﷺ فرمود: «نگاه محبت‌آمیز فرزند به پدر و مادرش عبادت است».

(بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰)

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر دوست داری خداوند عمرت را زیاد کند پدر و مادرت را شاد کن».

مسابقه دوم || شمردن نقطه‌ی کلمات

مرئی گرامے!

شما باید تعدادی کلمه را بگویید و با گفتن هر کلمه از دانش‌آموزان بخواهید تا سریع تعداد

نقطه‌های آن کلمه را بیان کنند.



..... بازی حرکتی

مرئیی محترم! چند نفر را انتخاب کنید. به هر کدام یک بشقاب بدهید و برای هر کدام یک بادکنک باد کنید. به بچه‌ها بگویید بشقاب را روی سرشان بگیرند و بادکنک را داخلش بگذارند. کسی برنده است که زودتر یک مسیر مشخص را بدون اینکه بادکنک از روی سرش بیفتد طی کند. در ضمن، دانش‌آموزان نباید با دستانشان بادکنک را بگیرند، فقط می‌توانند بشقاب را بگیرند.

نکته: اگر برنامه در فضای باز انجام شود، شما می‌توانید به جای بادکنک یک لیوان آب روی سر یا پیشانی هر شرکت‌کننده قرار دهید. هر کس زودتر به خط پایان برسد، برنده است.

..... خلاقیت در کلاس

مرئیی کرامے!

با استفاده از قیچی، طرح (صفحه بعد) را برش بزنید تا تبدیل به تصویر سرو شود؛ در حین کار در مورد تلاش کردن توضیح بدهید.

..... پایان

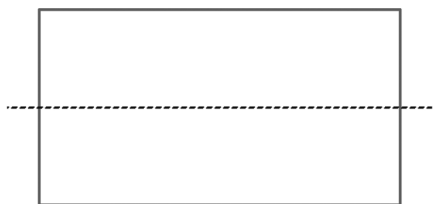
مرئیی کرامے!

برای ختم برنامه بگویید:

برنامه را با دعا به پایان می‌بریم. پس دست‌هاتونو بالا بگیرید تا دعا کنیم: ای‌خدایی که گل‌های سرخ و محمدی رو عطر آگین آفریدی، ما رو با عطر خوبی‌ها خوشبو کن!

خدایا، من را در انجام عمل صالح که تو می‌پسندی، موفق کن! بر روی زمین و آسمان‌ها و کرات، در بین مناجات و تمام کلمات، زیباتر از این دعا ندیده است کسی، بر خاتم انبیا محمد صلوات: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

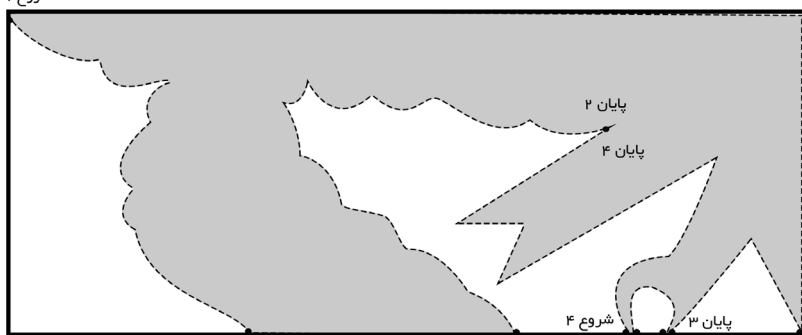




مرحله اول: کاغذ مستطیل شکل را از وسط تا من زینم

مرحله دوم: مطابق شکل برش من زینم

نقطه شروع ۱



پایان ۱

شروع ۲

پایان ۲

پایان ۴

شروع ۴

پایان ۳

شروع ۳

